

فرا تر از خبر

از سفر قالیباف تا نام جعلی برای خلیج فارس؛ سمت‌وسوی رابطه ایران و عراق

سعید جعفری

کمتر از یک دقیقه پیش



هیبت الحلبوسی (راست)، رئیس مجلس عراق، در کنار محمدباقر قالیباف، همتای ایرانی‌اش در ساختمان پارلمان عراق

یک روز پیش از آن‌که هیبت الحلبوسی، رئیس مجلس عراق، تصویری با عبارت «خلیج عربی» منتشر کند، او در دیدار با محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، از ایران خواسته بود برای صادرات نفت عراق از تنگه هرمز «موقعیت ویژه‌ای» در نظر بگیرد.

چند روز بعد تهران به تعدادی از نفتکش‌های عراقی اجازه عبور داد؛ دو اتفاقی که در فاصله چند روز نشان داد که بغداد هم‌زمان هم به همکاری تهران نیاز دارد و هم احتمالاً بیش از گذشته می‌خواهد فاصله‌اش را با ایران نشان دهد.

قالیباف در سفر خود به پایتخت عراق با مقام‌های ارشد این کشور دیدار کرد و دو طرف در بیانیه‌های رسمی از گسترش همکاری اقتصادی و سیاسی سخن گفتند. او در همان روز تصویری منتشر کرد که پشت سرش نقشه‌ای با عبارت «خلیج فارس» دیده می‌شد. الحلبوسی ساعاتی بعد تصویری مشابه با عبارت «خلیج عربی» منتشر کرد؛ اقدامی که در ایران واکنش‌هایی برانگیخت.

این تنش در زمانی شکل گرفته که فشار اقتصادی ناشی از بسته شدن هرمز، سیاست تازه دولت ترامپ و اختلاف‌های داخلی عراق، روابط دو کشور را با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. اما مناسبات بین ایران و عراق را چگونه می‌توان تفسیر کرد و چه مؤلفه‌هایی در شکل‌گیری این روند مؤثر بوده‌اند؟

عراق؛ کشوری که راه زیادی برای دور زدن هرمز ندارد

بستن تنگه هرمز از سوی ایران تبعات زیادی برای تمام کشورهای صادرکننده نفت در خلیج فارس به همراه داشته است، اما عراق از آسیب‌پذیرترین کشورهای منطقه بوده است.

بخش عمده نفت عراق از پایانه‌های جنوبی نزدیک بصره صادر می‌شود و برای رسیدن به بازارهای جهانی باید از هرمز عبور کند. عراق پیش از جنگ روزانه حدود سه میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کرد، اما اختلال در تنگه بخش بزرگی از این ظرفیت را از دسترس خارج کرده است. مسیر جیهان در ترکیه تنها بخش کوچکی از صادرات عادی عراق را پوشش می‌دهد و پروژه‌های سوریه و اردن نیز هنوز فاصله زیادی با تبدیل شدن به مسیرهای جایگزین دارند. خبرگزاری رویترز گزارش داده که خط لوله پیشنهادی به بندر بانیاس سوریه دست‌کم چهار سال زمان و حدود ۱۵ میلیارد دلار سرمایه نیاز خواهد داشت.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر مسائل ایران و خاورمیانه، با اشاره به تفاوت موقعیت عراق با دیگر صادرکنندگان منطقه می‌گوید: «بین کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق بیشترین صدمه را از وضعیت تنگه هرمز دیده؛ به خاطر کاهش قابل توجه صادرات نفت و درآمدهای نفتی. عراق به فکر گزینه‌های بدیل بوده، اما این گزینه‌ها هنوز در حد بسیار محدودی تحقق پیدا کرده‌اند و حتی در صورت تحقق کامل هم نمی‌توانند جایگزین کامل تنگه هرمز شوند.»

عزیزی، پیامد این وضعیت را فراتر از کاهش درآمدهای نفتی می‌داند: «این باعث شده دولت عراق برای اولین بار از زمان سقوط صدام در شرایطی قرار بگیرد که حتی برای پرداخت حقوق کارمندان دولت هم دچار مشکل شود. اتفاقی که برای ایران هم مسئله ایجاد می‌کند، چرا که رویکرد جمهوری اسلامی طی دو دهه اخیر مبتنی بر این بوده که دولتی شیعه و نزدیک به تهران در عراق سر کار باشد و سلطه سیاسی شیعیان به چالش کشیده نشود.»

آمارهای منتشرشده درباره درآمدهای عراق نیز عمق این فشار را نشان می‌دهد. درآمد نفتی عراق در ماه فوریه حدود شش میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود، در حالی که مجموع درآمد این کشور در دو ماه مه و ژوئن به حدود دو میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلار رسید؛ یعنی به‌طور متوسط حدود یک میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلار در ماه. این موضوع باعث شده تا دولت مرکزی این کشور که بخش بسیار بزرگی از مخارج خود را از نفت تأمین می‌کند، با فشار فزاینده‌ای برای تأمین حقوق و خدمات عمومی روبه‌رو شود.

همین وضعیت نگاه بخشی از جامعه عراق به جنگ ایران و آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

کاوه حسن، کارشناس عراقی و پژوهشگر مؤسسه استیمسون در بروکسل، در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید: «اکثریت قاطع عراقی‌ها، فارغ از پیشینه قومی، مذهبی یا فرقه‌ای‌شان، این جنگ را جنگ ایران می‌دانند و نه جنگ عراق. این البته به این معنا نیست که عراقی‌ها طرفدار جنگ علیه ایران هستند؛

بین کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق بیشترین صدمه را از وضعیت تنگه هرمز دیده؛ به خاطر کاهش قابل توجه صادرات نفت و درآمدهای نفتی. عراق به فکر گزینه‌های بدیل بوده، اما این گزینه‌ها هنوز در حد بسیار محدودی تحقق پیدا کرده‌اند و حتی در صورت تحقق کامل هم نمی‌توانند جایگزین کامل تنگه هرمز شوند.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر مسائل ایران و خاورمیانه

برعکس، با آن مخالفانند چون منفعتی در این جنگ ندارند. اما معتقدند عراق نباید درگیر آن شود، چون پیامدهای چنین درگیری‌ای برای عراق فاجعه‌بار خواهد بود.»

به گفته آقای حسن، همین تفاوت در میان جریان‌های شیعه نیز دیده می‌شود. او در این رابطه می‌گوید: «بخشی از گروه‌ها پیوند خود با ایران را بر ملاحظات داخلی عراق مقدم می‌دانند، در حالی که گروه‌های دیگری که من آن‌ها را عمل‌گرا می‌نامم با وجود همدلی سیاسی یا مذهبی با تهران، معتقدند دولت باید پیش از هر چیز منافع عراق را در نظر بگیرد.»

چنین فضایی می‌تواند دست گروه‌های سیاسی منتقد ایران را برای فاصله‌گیری علنی‌تر از تهران بازتر کند و مخالفت با موضوعات مرتبط با ایران طرفدار بیشتری در میان افکار عمومی عراقی پیدا می‌کند.

آقای عزیزی در خصوص چرایی پست رئیس مجلس عراق می‌گوید: «آن پست الحلبوسی سیگنالی هم به داخل و هم خارج بود که نشان می‌دهد برخی طیف‌های عراقی اکنون فضای بیشتری برای نشان دادن فاصله خود با تهران احساس می‌کنند.»

«نفوذ ایران هنوز از بین نرفته است»

فشار اقتصادی با تحول دیگری هم‌زمان شده که برای تهران اهمیت زیادی دارد: تلاش ایالات متحده و فشار آن بر دولت مرکزی بغداد برای محدود کردن نقش گروه‌های مسلح نزدیک به جمهوری اسلامی. این گروه‌ها طی دو دهه گذشته یکی از پایه‌های اصلی نفوذ جمهوری اسلامی در عراق بوده‌اند و برخی از آن‌ها علاوه بر حضور رسمی در حشد الشعبی، ساختار مستقل سیاسی و نظامی و توان موشکی و پهپادی خود را حفظ کرده‌اند.

عزیزی می‌گوید بازگشت ترامپ، روابط ایران و عراق را وارد مرحله پیچیده‌تری کرده است و دولت آمریکا در چارچوب فشار حداکثری، هم مسیرهای دور زدن تحریم‌ها از طریق عراق را هدف گرفته و هم تلاش کرده که وابستگی اقتصادی بغداد به تهران، به‌ویژه در حوزه گاز و انرژی، کاهش پیدا کند. به گفته او، فشار بر دولت مرکزی برای محدود کردن گروه‌های مسلح نزدیک به ایران بخش دیگری از همین سیاست است.

این فشار البته به معنای از دست رفتن نفوذ تهران نیست. کاوه حسن با اشاره به تحولات هفته‌های اخیر می‌گوید: «نفوذ ایران احتمالاً دیگر به اندازه گذشته نیست، اما همچنان بسیار قابل توجه است و گروه‌های نزدیک به تهران هنوز می‌توانند بر تصمیم‌های دولت عراق اثر بگذارند.» او برای توضیح این وضعیت به بازداشت مسئول اطلاعات حرکت النجبا اشاره می‌کند که پس از فشارهای سیاسی، پرونده‌اش به حشد الشعبی منتقل و در نهایت آزاد شد.

حسن می‌گوید: «این اتفاق به نظر من نمونه بسیار روشنی از ناتوانی دولت عراق در مقابله با گروه‌های نزدیک به ایران بود. نیروهای امنیتی عراق توان برخورد با این گروه‌ها را دارند، اما هزینه سیاسی آن در شرایط فعلی بسیار بالاست. هیچ‌کس در عراق خواهان رویارویی نظامی میان این گروه‌ها و دولت نیست، چون می‌تواند به خونریزی و پیامدهایی منجر شود که قابل پیش‌بینی نیست.»

دولت عراق وعده داده که سلاح را در اختیار نهادهای رسمی متمرکز کند، اما اجرای این وعده در مورد گروه‌هایی که از موشک‌های بالستیک، پهپاد و شبکه سیاسی برخوردارند به مراتب دشوارتر از خلع سلاح گروه‌های کوچک است.

حسن پیش‌بینی می‌کند که بغداد در مرحله نخست ممکن است به اقداماتی نمایشی رضایت دهد: «یکی از سناریوهای محتمل این است که شاهد اقداماتی نمادین و ظاهری باشیم؛ گروه‌های نزدیک به ایران مقداری سلاح سبک، حتی چیزهایی که عملاً ارزش چندانی ندارند، تحویل دهند و دولت اعلام کند روند خلع سلاح آغاز شده است.»

اما مسئله واقعی و حائز اهمیت‌تر برای آمریکا، موشک‌های بالستیک و پهپادهایی است که در اختیار چند گروه نزدیک به ایران قرار دارد و دولت بر آن‌ها کنترل ندارد. کاوه حسن معتقد است که بعید است در این مرحله دولت بغداد برای گرفتن این سلاح‌ها اقدامی انجام دهد چرا که به باور این تحلیلگر مسائل خاورمیانه، اجرای چنین سیاستی به رویارویی نظامی منجر خواهد شد.

چنین درگیری‌ای برای تهران هم مطلوب نیست، زیرا جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته تلاش کرده که با حفظ انسجام جریان‌های شیعه نزدیک به خود، نفوذ سیاسی و منطقه‌ای‌اش در عراق را حفظ کند.

اهرم مالی آمریکا و انتخاب‌های دشوار بغداد

در کنار فشار داخلی، دولت عراق با دولتی در واشینگتن روبه‌روست که قصد دارد دامنه فشار اقتصادی بر ایران و شرکای آن را گسترده‌تر کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تهدید کرده که عواقب سختی در انتظار کشورهای خواهد بود که با ایران تجارت داشته باشند.

آمریکا برای اعمال فشار بر عراق از ابزارهای قابل توجهی هم برخوردار است؛ درآمد نفت عراق در حساب بانک مرکزی این کشور نزد فدرال رزرو نیویورک نگهداری می‌شود؛ سازوکاری که پس از حمله سال ۲۰۰۳ و برای مدیریت درآمد نفتی عراق ایجاد شد و با وجود تغییرات بعدی همچنان ادامه دارد. نفت حدود ۹۰ درصد بودجه دولت عراق را تأمین می‌کند و این ساختار، به واشینگتن اهرم مالی مهمی در رابطه با بغداد داده است.

عراق همچنان روابط تجاری گسترده‌ای با ایران دارد و سال‌ها برای تأمین بخشی از برق و گاز خود به واردات از ایران متکی بوده است. تشدید تحریم‌ها می‌تواند بغداد را وادار کند میان حفظ این روابط و خطر محدودیت‌های مالی آمریکا انتخاب‌های دشوارتری انجام دهد.

کاوه حسن معتقد است افزایش فشار بر ایران، دولت عراق را در ماه‌های آینده مقابل تصمیم‌هایی قرار می‌دهد که به سادگی قابل تعویق نیستند: «نباید فراموش کنیم که آمریکا جریان پترودلارها به عراق را کنترل می‌کند. اگر دولت آمریکا بخواهد، می‌تواند فشار بسیار بزرگی بر عراق وارد کند. به همین دلیل فکر می‌کنم فضای مانور بغداد میان ایران و آمریکا در هفته‌ها و ماه‌های آینده به شدت کوچک‌تر خواهد شد و دولت عراق ناچار خواهد بود تصمیم‌های دشواری بگیرد و منافع عراق را در نظر بگیرد.»

آقای حسن با اشاره به این‌که شکل‌گیری یک فاجعه و فروپاشی اقتصادی در عراق کاملاً محتمل است، می‌افزاید: «اگر دولت مرکزی بغداد تصمیم بگیرد تحریم‌ها را رعایت نکند، احتمال فروپاشی اقتصادی دیگر سناریویی دور از ذهن نیست. بسته ماندن هرمز، محدود شدن جریان پترودلارها و تحریم‌های بیشتر می‌تواند در مقطعی عراق را به سمت یک بحران اقتصادی بسیار جدی ببرد.»

اگر دولت آمریکا بخواهد، می‌تواند فشار بسیار بزرگی بر عراق وارد کند. به همین دلیل فکر می‌کنم فضای مانور بغداد میان ایران و آمریکا در هفته‌ها و ماه‌های آینده به شدت کوچک‌تر خواهد شد و دولت عراق ناچار خواهد بود تصمیم‌های دشواری بگیرد و منافع عراق را در نظر بگیرد.

کاوه حسن، کارشناس عراقی و پژوهشگر مؤسسه استیمسون در بروکسل

او معتقد است اگر شرایط به چنین نقطه‌ای برسد، موضع آیت‌الله علی سیستانی می‌تواند اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. از نظر حسن، سیستانی احتمالاً تنها شخصیت شیعه‌ای است که در صورت تشدید شدید بحران از نفوذ کافی برای حمایت از انتقال سلاح‌های سنگین گروه‌ها به کنترل دولت برخوردار است، هرچند او صدور چنین حکمی را در آینده نزدیک محتمل نمی‌داند.

سفر اخیر قالیباف را می‌توان در کنار سفر پیشین اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه، در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری بر بحران‌های درهم‌تنیده‌ای دانست که هم ثبات سیاسی و اقتصادی عراق و هم نفوذ گروه‌های تحت حمایت تهران در این کشور را تهدید می‌کند.

مقام‌های ایرانی کار دشواری برای روبه‌رو شدن و مدیریت شرایط در عراق در پیش دارند. در حالی‌که آن‌ها از یک‌سو از گروه‌های وفادار خود در این کشور حمایت می‌کنند، از سوی دیگر باید روابط سیاسی خود را با دولتی در بغداد حفظ کنند که احتمالاً بیش از گذشته زیر فشار آمریکا برای محدود کردن روابطش با تهران قرار خواهد گرفت.

عزیزی این وضعیت را این‌طور توصیف می‌کند: «گزینهٔ ایده‌آل برای ایران این است که گروه‌های کوچک‌تر و نزدیک به تهران وارد تقابل با دولت مرکزی نشوند، چون مسئلهٔ وحدت شیعیان و جلوگیری از انشقاق میان گروه‌های مختلف شیعه برای ایران اهمیت دارد.»

او ادامه می‌دهد: «این نیازمند آن است که کسی مثل قآنی، که با گروه‌های مسلح در ارتباط است، آن‌ها را تشویق کند وارد تقابل با دولت نشوند و فردی مثل قالیباف که جایگاه سیاسی دارد، از طرف دیگر با دولت مرکزی بغداد برای رسیدن به نوعی مصالحه کار کند. ایران در این شرایط برای حفظ نفوذش در عراق کار دشواری دارد.»

روز شنبه و بعد از پایان سفر قالیباف به عراق، خبرگزاری‌ها گزارش دادند که تعدادی از نفتکش‌های عراقی با دریافت مجوز از سوی ایران توانسته‌اند از تنگه هرمز عبور کنند. هرچند این مجوزها بحران صادرات عراق را حل نمی‌کند اما این اقدام را می‌توان تلاشی از سوی تهران برای کاهش فشار بر بغداد و جلوگیری از عمیق‌تر شدن بحرانی دانست که به منافع ایران و متحدانش در عراق هم آسیب می‌زند.

حالا به نظر می‌رسد تهران با آزمونی دشوار برای حفظ تأثیرگذاری خود در معادلات عراق روبه‌رو شده و در صورتی که توافقی با آمریکا در کار نباشد، می‌توان انتظار داشت بخش قابل توجهی از بحران پیش‌آمده در منطقه، به عراق سرریز کند.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران